



۲۰۱۹/۱۱/۱۷

قیس کبیر

در حیرتم که آقای ولی احمد چرا اینطور نوشت قسمت سوم و اخیر

برای وضاحت بیشتر اگر علاقه داشتید، نظر آقای ولی احمد نوری را درین ارتباط در لینک زیر مطالعه کرده میتوانید.
[در حیرتم که برای این نوشته چه عنوانی برگزینم](#)

آقای ولی احمد نوری می نویسند:

تقریباً ده سال قبل این آدمک مشکوک یعنی محمد قیس تصمیم ایجاد یک مؤسسه تجارتي را برای امور تخنیکي و فروش انترنت و آلات کمپیوتری مربوط آن در کابل گرفت و یک تاجر آلمانی را هم گپ داد و برای اشتراک در آن جذب نمود. در عین حال از جناب دیپلوم انجنیر فرید فهیم و از این جانب هم دعوت نمود که با وی در این (تشبث) بزنس شریک شویم و به شخص من 15 فیصد سهم این شرکت را پیشنهاد کرد که من با اعتباری که بر وی داشتم، بدبختانه پیشنهادش را پذیرفتم. چون سرمایه این بزنس را 100000 دالر پیش بینی نموده شده بود باید شریک آلمانی اش (30.000) دالر می پرداخت چون سهم 30 فیصد شرکت را داشت و خود محمد قیس 25 فیصد این تشبث را داشت و جناب انجنیر فرید فهیم هم 25 فیصد دیگر را. در واقع و به صورت نورمال باید هر کدام ما یک مقدار پول سهمیه خود می پرداختیم و مصارف آغاز کار باید در چوکات سهم هر « به تناسب اسهام خویش » را برای آغاز کاریک می بود، ولی از من مبلغ برابر با سهم را درخواست نمود یعنی باید 15.000 دالر می پرداختم که پرداختم، در حالیکه خود آقای قیس یک دالر هم نپرداخت و همه مصارف به دوش سه نفر شریک دیگر ماند. من این 15 فیصد سهم خود را که پانزده هزار دالر می شد از طریق بانک خودم در پاریس به حساب بانکی محمد قیس در کارلسروهه آلمان رسماً انتقال دادم که همه اسناد آن نزد من موجود است و بر علاوه آن به اثر تقاضای نامبرده یافتن یک دفتر در کابل را هم بر عهده گرفتم. بالاخره این بزنس موفق نشد و مؤسسه بعد از هجده ماه بسته گردید. زمانیکه روز حساب فرا رسید، که آقای قیس باید با گرفتن صرف یکهزار و پنجاه دالر (از جمله مصارف صورت گرفته به اندازه سهم من بقیه پول مرا باید به من می پرداخت که هرگز نپرداخت. اینرا در زبان دری چی میگویند؟ [سرقت یا دزدی؟] و یا به جان زدن؟]

به جواب جناب ولی احمد نوری:

نقاط قابل تذکر:

1- موضوع تجارت مشترک در کابل: - مؤسس پروژه تجارتي زمینس آقای غلام سخی حسن زاده که به اساس هدایت دولت آلمان در افغانستان در سال 2002 کار زمینس را دوباره احیاء کرد، به اساس آشنائی که در کمپنی زمینس داشتیم از من خواهش کرد تا هوم پیج انترانت زمینس (intranet homepage) را برای افغانستان به استندرد یا معیار کمپنی زمینس آماده سازم. چندی بعد آقای غلام سخی حسن زاده با من در تماس شده گفت که زمینس آرزو دارد تا تمام ماشین آلات صحی و طبی را که در افغانستان ضرورت است منحصیث یک پروژه به افغانستان انتقال دهد. که برای آن یک مؤسسه در افغانستان ضرورت بود که این مسؤولیت را عهده دار شود. و از من خواست که آیا از جانب من در کار این پروژه کدام علاقه مندی وجود دارد یا خیر؟

من موضوع را با همکار و دوستم انجنیر فرید فهیم در میان گذاشته مشوره نمودم که آیا ما میتوانیم آیا ما میتوانیم، درین پروژه، سهم بگیریم؟ زیرا در همین مقطع زمانی محترم انجنیر فرید فهیم کار مشخصی در آلمان نداشتند که مانع کار درین پروژه شود لهذا ایشان با من موافقه کرده حاضر شدند که برای در عمل پیاده ساختن این پروژه به افغانستان رفته و پروژه را آغاز کنند. موضوع را ضمن صحبت های دوستانه ای که میان همکاران در وبسایت افغان جرمن آنلین

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

صورت می‌گرفت، با جناب ولی احمد نوری در میان گذاشتیم، طوری که من (اینجاناب و انجنیر فهیم) پلان داریم که این پروژه را آغاز کنیم. ایشان (ولی احمد نوری) هم که مرد تجارت پیشه بودند مفاد خویش را در آینده پروژه فکر کرده **داوطلبانه** حاضر شدند که در سرمایه گذاری این پروژه با ما به حساب فیصدی شریک شوند و همکاری نمایند.

اینکه ولی احمد نوری مبلغ 15 هزار دالر به حساب من فرستاده اند و مبلغ 10 هزار دالر دوست و شریک آلمانی ما فرستاده بود، منکر نیستم، اما یکااش ایشان صادقانه مصارف پولی را از هر نگاه بررسی کرده مینوشتند و موضوع را گنگ جلوه نمی دادند که در اخیر تاپه و تهمت «سرقت یا دزدی» را هم به پیشانی من حواله کردند. محترم فرید فهیم شریک ما بودند اما به حساب سرمایه گذاری مادی نه بلکه به حساب سرمایه گذاری معنوی به این معنی که ایشان حیات شان را در خطر انداخته و این ریزیکو را متقبل شدند که چند سالی را در افغانستان بگذرانند تا کارر پروژه به کرسی بنشیند. اما؛ آیا انجنیر صاحب فهیم باید از هوا خورد و نوش خود را تهیه میکردند، در کجا باید بود باش میداشتند، خورد و نوش و لباس و مصارف رفت و آمد و تمام مصارف نورمالی که هر انسان برای زندگی کردن ضرورت دارد، باید از کجا میشد؟

ما که هنوز کار را شروع نکرده بودیم و پروژه هنوز آغاز نشده بود که عاید داشته باشد. لهدا، شش ماه اول بود و باش را آقای فهیم در خانه شوهر همشیره ام به سر بردند که یک حبه مصرف از وی گرفته نشد و همه را شوهر همشیره ام از جیب خود پرداخت نمودند. البته قبل از آنکه در خانه «محترم داوود موسی» شریک ولی احمد نوری نقل مکان نماید. وقتی که به خانه داوود موسی آمدند مدت هجده ماه مبلغ 1000 دالر ماهانه به اساس گفته خود انجنیر فرید مصرف شان بود. که 500 دالر مصرف کرایه خانه و باقی مصارف خورد و نوش و مزد دو نفر مستخدم میشد. اینکه مصارف اضافی مثل تکسی گرفتن ها و این و آن بود از همه می گذریم که به انجنیر فهیم همه مثل آئینه روشن است. شما میبینید که از 25 هزار دالری که به من رسیده بود و من همه را به افغانستان رفته به محترم فرید فهیم تسلیم کردم، مبلغ 18 هزار آن تنها مصارف آقای فرید فهیم شد، که اگر شش ماه دیگر را که شوهر همشیره ام به ما کمک و همکاری نمی کردند، شش هزار دیگر هم روی این 18 هزار اضافه میشد، که جمعاً 24 میلیون 24 هزار دالر میشد. به هر صورت. حالا میرسیم به سهم من که ولی احمد نوری با این سن و سال مبارک شان مطلقاً از آن چشم پوشی نموده اند و علاوه بر آن به من تهمت دزدی را بسته اند.

1- مبلغ 2000 هزار دالر نسبت نخستین سفر انجنیر فهیم از جرمنی به کابل و خانه شوهر همشیره ام.
2- نسبت فسخ قرارداد این پروژه جرمنی توسط امریکائی ها، من دوبار صرف برای کار همین پروژه به افغانستان سفر کردم تا اگر کدام راه دیگری بتوانیم دریابیم برای پیشبرد این پروژه، که من از خود جناب ولی احمد نوری هم خواهش کردم که با من منحصی یک شریک به افغانستان بروند زیرا ایشان نسبت به من بیشتر از افغانستان شناخت داشتند و تجارت کرده بودند و قانون و همه کلتور افغانستان را از من و انجنیر فهیم بهتر میدانستند و تجربه «نتورک» (network) بزرگتر داشتند. اما ایشان به گفته خود شان از ترس مارشال فهیم از رفتن اجتناب ورزیدند و من مجبور شدم به تنهایی بروم. و در هر دو سفر مبلغ 3000 دالر پرداخت کردم.

3- انجنیر فرید فهیم قراردادی هم نموده بودند با کوریائی ها به خاطر نصب انترنت از طریق زتلایت که من برای این کار مبلغ 5000 دالر از جیب خود برداختم و این قرار داد هم جزء همین پروژه بود.

حالا سوال من از آقای ولی احمد نوری این است که ایشان شاهد عینی تمام این پروژه و مراحل آغاز تا انجام آن بوده اند و همه پرداخت های که صورت گرفته یک به یک برای شان واضح بوده. آیا وجدان شما چطور به شما اجازه این را داده که پرداخت و پول خود و زحمات انجنیر فهیم را مدنظر بگیرید و پرداخت و زحمات مرا نه؟ این کدام عقده شخصی بود که ناگهان در برابر من، بروز دادید؟

شما همیشه دعوی کرده اید در مقالات و نوشته های تان که «ما» وبسایت افغان جرمن آنلاین را ساختیم و قیس کبیر آنرا قبضه کرد و از خود کرد و ما را بیرون کرد.

شما از سال 2001 الی 2015 با افغان جرمن آنلاین علاوه بر اینکه همکار قلمی بودید یکی از اختیارداران این وبسایت بودید که حتی در انتخاب و بودن و نبودن نویسندگان صلاحیت عام و تام داشتید. و اختیاری که منحصی یک بزرگ به شما داده شده بود حتی ما دو نفر که متصدیان و مؤسسين این وبسایت بودیم این صلاحیت را شما به ما نمی دادید که در انتخاب یک نویسنده نقش داشته باشیم. به هر حال من از همان آغاز تا الحال همه ساله مبلغ 400 یورو که سرجمع مبلغ 6000 یورو نه دالر همه در بانک مستند موجود است برای تداوم این وبسایت پرداخته ام که همه کلانکاری آن به دست شما بوده است. آیا من در همین مدت حتی یک بار، حتی گوشگذار هم به شما برای پرداخت این پول کدام تقاضای کرده ام؟ نه....

ما چه میدانیم که این مبلغ 500 دالر را که انجنیر صاحب فرید فهیم برای کرایه خانه به شریک شما میپرداخت، آیا مبلغ 250 دالر آنرا که در هجده ماه مبلغ 4500 دالر میشد، شما نگرفته اید. شما که شریک داوود موسی بودید. وقتی

همه چیز شراکت باشد طبعاً این هم کار تجارت است. تا امروز من این سؤال را مطرح نساختم و به هیچ کسی هم نگفتم، شاید چنین بوده باشد اما من نمی دانم و گردنم را مانند نوری صاحب بسته نمی کنم که به من تهمت بسته اند.

حسابدهی مکمل

۲۰۰۰ پولیکه برای آمادگی رفتن نماینده ما به افغانستان مصرف شد
۳۰۰۰ پول مصارف دوبار رفتن به افغانستان به خاطر این پروژه
۵۰۰۰ پولی که برای شرکت کوریائی پرداختم
۳۰۰۰ مصارف بود و باش همکارانی که در مکان برادر شوهر همشیره ام (ایورش) به مصرف رسیده.
که جمعاً میشود 13000 یورو

اگر پولی را که من شخصاً بدون درخواست یک سنت از همکاران از سال 1997 الی 2019 و من تنها از 2001 الی 2015 را حساب میکنم که جناب ولی احمد نوری با ما همکار بودند و اختیار دار تمام پورتال هم بودند. مبلغ 400 یورو در سال پرداخت شده. اگر بخواهم که نصف این پول را در این مدت از جناب ولی احمد نوری تقاضا کنم، یعنی 200 یورو در سال، میشود 3000 یورو. و خدا گردن گیرم نکند اگر 4500 یورو را که به حساب شراکت "اگر" نوری صاحب از داود موسی گرفته باشند چون شریک شان بودند. حالا اگر چنین ببینیم پولی که نوری صاحب پرداخته اند سرجمع میشود 10500 و پولی را که من پرداخته ام میشود 16000 یورو پس این تفاوت توسط کی پرداخته خواهد شد..... نوری صاحب و یا هر سه شریک؟؟

و اگر هم توسط هر سه شریک پرداخته شود حق نوری صاحب 1500 میرسد که از سهم آن می گذرم.

قابل تذکر است، قسمی که وکیل حقوقی ام خاطر نشان کردند که در شراکت یا پارتنرشپ اگر شرکت ورشکست می شود، هیچ یک از شرکا نمی توانند بدون گزارش و یا راپور حسابی نهایی شرکت که در حقیقت "سند اثبات ورشکستی" آن می باشد، تقاضای استرداد سهم و یا مفاد آنرا بنمایند. مگر اینکه گزارش آخرین حسابی شرکت چنین حقی را برای اعضای شریک موجه و تثبیت کند.

آیا شما راپور حسابی نهایی شرکت که در حقیقت "سند اثبات ورشکستی" در نزد خود دارید؟
آیا در نزد شما سند موجود است که در صورت «ورشکستی»، من باید پول های به هدر رفته شما را بپردازم؟
قانون تنها مفاد و یا نقص را برای یک جناح نمی پذیرد. لهذا نه من و نه شما و نه هیچ کسی میتواند که به مفاد یک پروژه سهم باشد و در نقصش نه مگر که از اول مشروط بوده باشد.
آیا شما این سند مشروطه را از من و یا کدام شریک دیگر ما در دست دارید؟

گرچه با خود عهد کرده بودم که هیچ گاهی در برابر تان چیزی نمی نویسم که خدای نا خواسته بی احترامی تلقی شود. اما این نوشته اخیر تان مرا چنان مأیوس ساخت که اصلاً از شما چنین نامه سبک و میان خالی توقع نمی رفت آنهم برای حسابدهی یک پروژه ای که تقریباً 10 ده سال پیش را بیان میکند. آنهم با کذب و دروغ و تهمت بندی. من توقع ندارم، از من پوزش بخواهید، اما سزاوار است در محضر عام، حرف تان را پس بگیرید؛ ورنه با همه احترامی که به شما دارم، بخاطر این تهمت واهی (دزدی) که بر من بسته اید، شمارا هرگز نخواهم بخشید!

پایان

در حیرتم که آقای ولی احمد نوری چرا اینطور نوشت؟ قسمت اول

در حیرتم که آقای ولی احمد نوری چرا اینطور نوشت؟ قسمت دوم

د پانوی شمیره: له 3 تر3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ